پروردگارا، از ناتوانی و تنبلی و بزدلی و پیری و بخل و عذاب قبر و فتنه ی مرگ و زندگی به تو پناه می جویم.

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجْزِ وَالكَسَلِ، وَالجُبْنِ والهَرَمِ والبُخْلِ، وأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ، وأعوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ»: «پروردگارا، از ناتوانی و تنبلی و بزدلی و پیری و بخل و عذاب قبر و فتنه ی مرگ و زندگی به تو پناه می جویم». و در روایتی آمده است: «وَضَلَعِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»: «و از شرّ خم شدن کمر در زیر بار قرض و از شرّ قهر و خشونت صاحب قرض به تو پناه می جویم».

[صحیح است] [به روایت بخاری - متفق علیه]

این حدیث از جمله جوامع الکلم یا سخنان کوتاه و پرمحتوا می باشد؛ به این معنی که رسول الله صلی الله علیه وسلم معانی جامعی را در کلماتی کوتاه بیان نمودند؛ زیرا در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم از یک سری آفت ها و شرهایی پناه می جوید که حرکت بنده به سوی الله را به تعویق می اندازند. ایشان از ناتوانی و تنبلی پناه می جوید؛ زیرا این دو همنشین یکدیگر و از موانع این حرکت هستند؛ چنانکه عدم انجام عملی، گاه ریشه در ضعف همت و اراده ی سست دارد که در این صورت تنبلی و کسالت می باشد؛ و انسان های تنبل از کم همت ترین انسان ها و کم رغبت ترین آنها هستند. و گاه عدم انجام عملی بخاطر ناتوانی بنده است که این را عجز و ناتوانی می گویند. «بزدلی و بخل»؛ این دو، مانع انجام واجب و نیز مانع نیکی کردن هستند؛ ترس و بزدلی قلب انسان را ضعیف می کند، در نتیجه بخاطر ضعف قلبی و تعلقی که با مردم دارد نه با پروردگار مردم، امر به معروف و نهی از منکر نمی کند. و بخل صاحبش را به دست نگه داشتن از انفاق دعوت می دهد؛ در نتیجه حق خالق را از مال زکات نمی دهد و حق مخلوق را از نفقات و صدقات نمی پردازد؛ و به این ترتیب نزد الله و نزد مردم مبغوض است. «و پیری»: که عبارت است از رسیدن شخص به سنین ضعف و پایان عمر؛ وقتی انسان به پیری می رسد کم حواس می شود، نیرویش به ضعف می گراید، در نتیجه نمی تواند الله متعال را عبادت کند و به اهل و خانواده اش خیری برساند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از عذاب قبر پناه می خواهد. و عذاب قبر حق است، از این رو رسول الله صلی الله علیه وسلم پناه خواستن از عذاب قبر در هر نمازی را برای ما مشروع نموده است. سپس پناه خواستن از فتنه ی زندگی و مرگ را مطرح می کند؛ و اینگونه دعایش هم دنیا و هم آخرت را در بر می گیرد. فتنه ی دنیا عبارت از سختی ها و آزمایشات آن است و فتنه ی مرگ، ترس از بدفرجامی و عاقبت بد است و فتنه ی دو فرشته ی نکیر و منکر در قبر و غیره. و در روایتی آمده است: «وَضَلَعِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ»: «و از سنگینیِ بدهی و از چیرگی و ستم دیگران به تو پناه می برم». که هر دو برگرفته از قهر و غلبه می باشد؛ سنگینی بدهی، شدت آن است چنانکه یار و یاوری برای او نیست؛ و این قهر و غلبه ی دیگری به حق می باشد. و غلبه ی رجال، تسلط آنها و غلبه و چیرگیِ باطل می باشد.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/5914